



بهروزی و کامیابی درسایه

همت مضاعف و کار مضاعف

سید محمود طاهری

برنده است؛ گرچه آن شخص و جامعه بر آیینی جز آیین اسلام باشند. در مقابل، تنبلی، سستی و وانهادن کار و همت، باعث عقب ماندگی، رکود و ایستایی است؛ گرچه از جانب جامعه اسلامی و شیعی باشد. جامعه اسلامی، سزاوارترین جامعه‌ها نسبت به رشد و بالندگی است؛ پس بایسته است که دارای بیش‌ترین اهتمام نسبت به «کار» و «همت» باشد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:
«برای اینکه بتوانیم طبق اقتضائات کشور و ظرفیتهای کشور حرکت کنیم، احتیاج داریم به اینکه همت خودمان را چند برابر کنیم، کار را مترکم تر و پرتلاش‌تر کنیم. من امسال را به عنوان سال «همت مضاعف و کار مضاعف»

بزرگی، تعالی، بلند آوازی و پیشرفت، گوهرهای گرانبهایی هستند که به رایگان، صید کسی نمی‌شوند. این قله‌ها را قله نشینانی است که به قوانین عبور از گردنه‌های صعب‌العبور آگاه‌اند و بر اثر پیروی از این قوانین، به فتح قله‌ها توفیق یافتند. آنها به خوبی از این سنت آفرینش باخبرند که گردنه‌های دشواری بر سر راه رسیدن به اهداف بلند وجود دارد که تنها با برنامه ریزیهای سنجیده و اصولی و به دور از هرگونه خیال پردازیها و آرزوهای بی‌پشتوانه، در نوردیده می‌شود.

دو قانون طلایی برای دستیابی به قله‌ها، «همت مضاعف» و «کار مضاعف» است. کار و همت در هر شخص و جامعه‌ای بروز کند، پیش

نامگذاری می‌کنم، به امید اینکه در بخشهای مختلف، بخشهای اقتصادی، بخشهای فرهنگی، بخشهای سیاسی، بخشهای عمرانی، در همه عرصه‌ها، مسئولین کشور به همراه مردم عزیزمان بتوانند با همت بلندتر، با کار بیش‌تر و متراکم‌تر، راههای نرفته را ببینند و به هدفهای بزرگ خود ان شاء اله نزدیک‌تر شوند.^(۱)

کار اکسیر کند همت ذاتی «صائب»

خاک در دست، زر و سیم شود حاتم^(۲)

مفهوم شناسی «همت» و

«کار»

«همت، عبارت است از: توجه قلب و قصد انجام کار با تمام توان برای رسیدن به کمال. کسی که از همت راستین برخوردار باشد، از توابع آن نیز برخوردار خواهد شد (همانند رسیدن به اهداف و بهروزی) و آنکه بی‌بهره از همت باشد، از توابع آن نیز محروم خواهد شد (همانند رسیدن به اهداف و

مقامهای والا»^(۳)

همچنین درباره همت، گفته شده است که: «جوشش یا همت، سعی و کوششی است که برای انجام کاری صورت می‌گیرد و به آرزوها و تصمیمات اطلاق می‌شود. همت عالی به معنای عزم راسخ و قوی است.»^(۴)

درباره واژه «کار» باید گفت که در قرآن کریم از این واژه، به واژه‌هایی همانند «سعی» و «عمل» تعبیر شده است. «سعی در اصل به معنی راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده؛ ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می‌رود. آیاتی که ناظر به سعی و تلاش است، تنها ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است؛ ولی ملاک و معیار اصلی آن، دنیا را نیز در برمی‌گیرد؛ به این معنی که افراد با ایمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برای آنها کار کنند، و مشکلات جامعه آنها را حل نمایند؛

۳. فرهنگ معارف اسلامی، دکتر سید جعفر سجادی، تهران، کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۱۸۲.

۴. فرهنگ فلسفی، دکتر جمیل صلیبا، ترجمه: منوچهر صناعی دزه بیدی، تهران، حکمت، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۶۷۴.

۱. ۸۹/۱/۱ (پیام نوروزی).

۲. دیوان صائب تبریزی، به اهتمام: جهانگیر منصور، تهران، سیمای دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵.





واقعی در درون جانشان تعبیه شده است و تنها کافی است آن را از حالت بالقوه به صورت بالفعل درآورند و شکوفا کنند؛ آن گاه است که می‌توانند جهان هستی را به تسخیر خویش درآورند، ثروتها و بهروزیها را به سوی خویش جذب کنند و سرنوشت درخشانی را برای خود، رقم بزنند. یکی از مصداقهای این کیمیاگری «همت ورزی» است. همت ورزی، کیمیایی است که می‌تواند قفل‌های بسته را بگشاید، ثروتهای مادی و معنوی را از دل نامرادیها استخراج کند، راههای سنگلاخ را هموار سازد، و قله‌های پیروزی را فتح کند. به تعبیر زیبایی صائب تبریزی:

اهل همت، رخنه در سد سکندر می‌کنند

این سبک داستان، کلید فتح را دهنده‌اند^(۴)

خواجه نصیرالدین طوسی

می‌نویسد: «إِنَّ الْمَرْءَ يَطِيرُ بِهَمَّتِهِ كَالطَّيْرِ يَطِيرُ بِجَنَاحِهِ»^(۵) انسان با همتش پرواز می‌کند؛ همان گونه که پرنده با دو بالش پرواز می‌کند.»

۴. دیوان صائب، ج ۲، ص ۸۱۲

۵. آداب المتعلمین، خواجه نصیرالدین طوسی، ترجمه: محسن احمدوند، قم، نهانندی، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

بلکه خود دامن همت به کمر زده، به رفع مشکلات اقدام نمایند.»^(۱) واژه «عمل» نیز به معنای «کوشش کردن و رنج و تعب دیدن در کار است.»^(۲)

«قرآن مجید در بیش از ۲۰۰ مورد عمل انسان را ملاک شخصیت او آورده است و در ۱۶ مورد، کلمه سعی را به کار برده است. همچنین قرآن در ۱۶ مورد، ملاک ارزش و سالم بودن شخصیت را اکتساب (تلاش برای دستیابی به کمال) معرفی فرموده، و در ۷ مورد نیز ماده صُنِع را که به معنی صورت دادن به کار است آورده است.»^(۳)

کیمیای «همت»

بعضی، بیرون از وجود خویش به دنبال کیمیا هستند تا با آن، فلزهایی چون مس را به طلا تبدیل کنند و بدین گونه ثروتمند شوند؛ بی‌خبر از آنکه کیمیای

۱. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۰، ج ۲۲، ص ۵۵۰ و ۵۳۳.

۲. نثر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن مجید، علامه شعرانی، استاد محمد قریب، تهران، اسلامیه، بی تا، ص ۱۹۱.

۳. حکمت، عرفان و اخلاق، استاد محمدتقی جعفری، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۲.





از نگاه بزرگانی چون ابن عربی، صاحبان همت، قادرند دست به آفرینش بزنند، و با همت خویش، به آنچه دلشان می‌خواهد دست یابند: «الانسانُ یخلُقُ بِهَمَّتِهِ ما یَکُونُ لَهُ وَجُودٌ مِنْ خَارِجِ مَحَلِّ الِهِمَّةِ»^(۱) انسان با همت خود در بیرون از وجود خود، می‌تواند بیافریند. همت انسان چو گرد زورمند

هر چه خواهد آفریند بی‌مزند^(۲)

بی‌گمان نوآوریها، اختراع، اکتشاف و پیروزیهای شگفت‌انگیز، از مصادیق آفرینش به شمار می‌آیند که با کیمیای همت، فراچنگ انسان قرار می‌گیرند.

به آب روی همت، خاک راز می‌توان کردن

غلط کردم که عمر خویش صرف کیمیا کردم^(۳)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «المرءُ بِهَمَّتِهِ»^(۴) [مردی] مرد به همت اوست.

۱. شرح فصوص الحکم، تاج‌الدین حسین خوارزمی، تحقیق: آیت‌الله حسن زاده آملی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۳۹۸.

۲. نظامی گنجه‌ای، به نقل از: معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، محمد دشتی، قم، مؤسسه تبلیغاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۳۶.

۳. دیوان صائب تبریزی، ج ۲، ص ۱۱۴۸.

۴. غرر الحکم و درر الکلم، محمد تمیمی آمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم،

محقق خوانساری در شرح این عبارت می‌نویسد: «با توجه به این حدیث، پس هر که همت او بیش‌تر باشد مردی او کامل‌تر است، و هر که همت او کم‌تر باشد، مردی او ناقص‌تر است.»^(۵)

همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ما رَفَعَ امرءٌ کَهْمَتِهِ»^(۶) چیزی همانند همت شخص، او را بلند نکرده است. و باز از آن حضرت آمده است: «مَنْ صَغُرَتْ هِمَّتُهُ بَطَلَتْ فَضِيلَتُهُ»^(۷) هر که همتش ناچیز و حقیر باشد، فضیلتش از بین می‌رود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثَلَاثٌ یُخْجِزُنَ المرءَ عَنِ طَلَبِ المَعَالِی: قَضْرُ الِهِمَّةِ وَ قِلَّةُ الحِیلَةِ وَ ضَعْفُ الرُّأْی»^(۸) سه چیز، انسان را از دستیابی به مقامات عالیه و اهداف بلند باز می‌دارد: کوتاهی همت، کم بودن چاره‌اندیشی و سستی اندیشه.

عطار نیشابوری، کیمیای‌گریهای «همت» را این‌گونه در اشعارش بازتاب

۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲۳۱.

۵. همان.

۶. همان، ج ۶، ص ۱۱۴، ح ۹۷۰۷.

۷. همان، ج ۵، ص ۲۱۰، ح ۸۰۱۹.

۸. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ج ۱۴، ص ۶۸۲، ح ۲۱۳۴۴.





داده است:

مِمَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛^(۲)

هر که را شد همت عالی پدید

از ما نیست، کسی که دنیا را به خاطر

هر چه جست آن چیز حالی شد پدید

آخرت، و آخرت را به خاطر دنیا رها

هر که را یک ذره همت داد دست

کند.»

کرد او خورشید را زان ذره پست

کاملان و صاحبان همت کامل،

نقطه ملکی جهانها همت است

کسانی هستند که هم نسبت به دنیا

بزر و بال مرغ جانها همت است

همت می گمارند و هم نسبت به آخرت؛

هر دلی کاو همت عالی نیافت

آنها هم برای پیشرفت و بالندگی

ملکت بی منتها حالی نیافت

دنیوی می کوشند و هم برای رشد و

همت آمد همچو مرغی نیز پر

تعالی اخروی. قرآن کریم در این باره

هر زمان در سیر خود سر تیزتر^(۱)

می فرماید: «فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي

همت کامل

الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَمِنْهُمْ مَنْ

اهل همت، در همت گماشتن

يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

خویش، به دو گروه تقسیم می شوند:

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَدْ عَذَابَ النَّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ

گروهی همه همت خویش را صرف دنیا

مِمَّا كَسَبُوا؛^(۳)» «و از مردم، کسی است

کرده، تنها برای سامان بخشیدن به امور

که می گوید: پروردگارا! در این دنیا به

دنیوی و پیشرفت در زمینه های مادی

ما نیکی و در آخرت (نیز) به ما نیکی

تلاش و کوشش می کنند و گروه دوم

عطا کن، و ما را از عذاب آتش (دور)

کسانی هستند که یکسره دنیا را نادیده

دار* آنان اند که از دستاوردهای، بهره

گرفته، فقط برای خوشبختی اخروی و

ای خواهند داشت.»

تعالی معنوی همت می گمارند. بر اساس

سید قطب در تفسیر این آیات

روایتی از امام باقر^(ع) هیچ کدام از این دو

می نویسد: «اسلام، هرگز از مؤمنان

گروه در خط اهل بیت^(ع) نیستند: «أَلَيْسَ

نمی خواهد که کار و بار دنیا را رها

۱. منطق الطیر، فرید الدین عطار نیشابوری،

سازند و توجهی بدان نکنند؛ چه ایشان

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۷۶.

کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۴، ص ۳۵.

۳. بقره/ ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲.





رسول گرامی اسلام ﷺ در حدیثی دلنشین در این باره می فرماید: «أَعْظَمُ النَّاسِ هَمًّا الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَهْتَمُّ لِدُنْيَاہِ وَآخِرَتِہِ؛^(۱) همت مؤمن از دیگر مردمان، بزرگ تر (و کامل تر) است، (چرا که) او هم نسبت به دنیایش همت می ورزد و هم نسبت به آخرتش.»

چنین کسی جویای خیر دنیا و آخرت است و از خداوند، هم مواهب مادی را می طلبد و هم مواهب معنوی را:

ای بارخدا به حق هستی

شش چیز مرا مدد فرستی

ایمان و امان و تندرستی

فتح و فرج و فراخ دستی^(۲)

(ابوسعید ابوالخیر)

به تعبیر مقام معظم رهبری: «هر کسی که دنبال یک هدفی باشد و نیرویش را به کار گیرد، خدا کمکش می کند. در کار دنیایی هم باشد، خدای متعال کمک می کند. اگر چه وقتی

برای خلافت در دنیا آفریده شده اند و باید دنیا را نیز از نظر پنهان ندارند؛ بلکه از ایشان می خواهد که افق دیدشان را فراتر از دنیا قرار دهند و همه همت خود را صرف دنیایشان نکنند. اسلام از آنها می خواهد در دنیا، جویای خیر و خوبی و طالب خوشی و نیکی باشند؛ ولی نصیب و بهره خود را در آخرت فراموش نکنند. اسلام می خواهد که آنان در کار دنیا رو به خدا داشته باشند و از آفاق دید خود نگاهند، تا بدین وسیله از دنیا دیواری برای خود نسازند و خود را زندانی دنیا نکنند. اسلام می خواهد انسان را از دیوارهای این زمین کوچک، آزاد و رها سازد و کاری کند که انسان در عین حال که در زمین به تلاش می پردازد، بداند که او بزرگ تر از آن است و در عین حال که خلافت خدا را در زمین، عهده دار است، متوجه عالم بالا و افق اعلی باشد. اسلام می خواهد پیروانش صاحب همتی کامل باشند و هم نسبت به دنیایشان همت ورزند و هم نسبت به آخرتشان.^(۱)

۲. مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۸، ص ۱۲.

۳. معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، محمد دشتی، قم، مؤسسه تبلیغاتی امیر المؤمنین ﷺ، بیتا، ج ۲، ص ۷۹۳.

۱. فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه: دکتر مصطفی خرم دل، تهران، احسان، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰۶ و ۳۰۷.



مادی‌اند. تعبیر مقام معظم رهبری در این باره این است که باید به کم قانع نشد و قله‌ها را در نظر داشت:

«آنچه که خیلی مهم است ظرفیتهای موجود در جامعه است. ما در همه زمینه‌ها مثل یک معدن استخراج نشده یا نیمه استخراج شده هستیم. اهل فن و متخصصین و کارشناسان در همه زمینه‌ها - مثل زمینه‌های اقتصادی، زمینه‌های فنی، زمینه‌های علمی - به ما می‌گویند ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای بی نظیری است. حال این ظرفیتهای در بخشهای مختلف، دست من و شماست. چنانچه این ظرفیتهای را شناسیم، کوتاهی کردیم؛ اگر بشناسیم و برای به کار گیری این ظرفیتهای همت نکنیم، کوتاهی کردیم؛ اگر به یک حد متوسطی قانع بشویم، کوتاهی کردیم. باید به سمت قله، حرکت کنیم. درست مثل ورزشکاری که استعداد بدنی دارد، قواره اندامی او قواره‌ای مناسب است، امکانات ورزشی هم جلویش هست؛ او دیگر نمی‌تواند بگوید من هر روزی نیم ساعت، بیست دقیقه نرمش می‌کنم. او باید برود به سمت قهرمانی؛ قله را باید

مصروف دنیا شدند، دیگر از آخرت نصیبی نخواهند داشت. هم آنهایی را که دنبال آخرت اند، خدا کمک می‌کند. نقطه کمال این همت ورزی در آن است که دنیا و آخرت، هر دو، مورد همت قرار گیرند.»^(۱)

بلندهمتی

برخی اهل همت اند و بر اثر آن به هدفهایشان نیز دست می‌یابند؛ اما همت آنها از حدّ دنیا فراتر نمی‌رود و آنچه که بدان همت می‌گمارند، در پیشرفتهای دنیوی و شکوفایی امور مادی خلاصه می‌شود. همت ورزان نسبت به دنیا نیز گوناگون‌اند. بعضی، هرگز در این باره سودای گامهای بلند و پیروزیها و دستاوردهای بزرگ در سر ندارند، و تنها به دستاوردهای خرد و ناچیز و پیشرفتهای غیر قابل اعتنا بسنده می‌کنند. در مقابل، در میان آنها که در کار دنیایشان همت می‌گمارند، کسانی هستند که در مسیر رشد و بالندگی و فناوری گامهای بلند برداشته، هرگز به دستاوردهای اندک قناعت نمی‌کنند؛ اینها بلند همتان در عرصه پیشرفتهای ۱۳۸۹/۱/۱۶ (سخنرانی در دیدار با جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی).



در نظر بگیرد.»^(۱) و اما صاحبان همت نسبت به امور معنوی نیز متفاوت اند. بعضی، همه همت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا به بهشت درآیند و از نعمتهای آن برخوردار شوند؛ در حالی که گروهی از این صاحبان همت نیز هستند که همتی فراتر از بهشت دارند. آنها به جستجوی بهشت آفرین، و در آرزوی دیدار او هستند. اینان بلند همتانی هستند که به بهشت نیز بسنده نمی‌کنند و نسبت به فراتر از بهشت همت می‌گمارند:

زهی همت که حافظ راست از دنیا و از عقبی

نیاید هیچ در چشمش. به جز خاک سر کوش^(۲)

به تعبیر مقام معظم رهبری: «... در کارهای اخروی هم همین جور است، در کارهای معنوی هم همین جور است، در حرکت توحیدی هم همین جور است، به کم نباید قانع شد.»^(۳)

حکیم نظامی گنجهای درباره بلند همتی و بسنده نکردن به پیشرفتهای

خُرد و کم اهمیت می‌گوید:
هر چه در این پرده نشانت دهند
گر نپسندی به از آنت دهند
سینه مکن گر کهر آری به دست

بہتر از آن جوی که در سینه هست^(۴)

در جهانی که هر روز پدیده‌ای نو و رخدادی تازه به ظهور می‌رسد، تنها با «بلند همتی» است که می‌توانیم از قافله پیشرفت باز نمانیم. نمونه‌ای از توصیه به بلند همتی را در این سخنان شهید ثانی^(۵) مرور می‌کنیم:

«باید دانشجو در تحصیلات خود دارای همتی بلند و والا باشد و با اینکه می‌تواند اندوخته‌های انبوه علمی را در خویشتن ذخیره سازد، به سرمایه کم و اندوخته‌های ناچیز علمی قانع نشود.»^(۶)
زرنوخی - از دانشمندان مسلمان قرن ششم هجری - نیز می‌نویسد:
«طالب علم، باید دارای همت عالی و بلند باشد؛ زیرا هر چه همت متعلم، عالی‌تر باشد، به مراتب رفیع‌تری از

۱. همان.

۲. دیوان حافظ، تصحیح: غنی - قزوینی، تهران،

ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱، غزل ۹۵.

۳. ۱۳۸۹/۱/۱۶. سخنرانی در دیدار با جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی.

۴. کلیات خمسه، حکیم نظامی گنجهای، تهران،

امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۷، ص ۷۴.

۵. منیة المرید، شهید ثانی، تحقیق: رضا مختاری،

قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه،

چاپ پنجم، ص ۲۳۰.





الأُمُورِ وَ أَسْرَافَهَا وَ يَكْرَهُ سَفْسَافَهَا؛^(۱) خداوند متعال، کارهای والا و شریف را دوست دارد و کارهای پست و ناچیز را خوش ندارد.»

اسلام و توصیه به کار و

تلاش

اندیشه فردایی بهتر در سر هر که باشد، او را به کار و تلاش وامی‌دارد، و آرزوی آینده‌ای روشن و طلایی در هر دلی که بدرخشید، از او انسانی کوشا، پرتلاش و دارای عزم و همت خواهد ساخت. از مردمان بیکاره و تنبل، جوامعی سربلند و آبرومند شکل نمی‌گیرد، و از انسانهای بی‌تحرك و تهی از کار و همت، بالندگی و اقدار به ظهور نمی‌رسد.

دین اسلام برای آبرومند ساختن پیروانش و برای ایجاد جامعه‌ای سرافراز و پیشرفته، توصیه‌های فراوانی درباره کار و کوشش دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَا اَبْنَ جُنْدَبٍ! بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَ قُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَدَاهِبُ فَوَ اللهُ لَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ

دانش دست می‌یابد. کسی که همتش آموختن مطالب کتابهای نویسنده‌ای معین است، تنها به آموختن بخشی از آن نائل می‌آید، و کسی که همتش آموختن مطالب تمام کتابهاست، به دانش فزون تری دست می‌یابد. کسی که مقصودش استیلا بر شرق و غرب است، به امری فانی، قلیل و حقیر توجه کرده است. بهتر است شخص، سعادت دنیا و آخرت را وجهه همت خویش قرار دهد.»^(۱)

باری خداوند، بلند همتان را دوست دارد؛ آنها که اگر درباره آبادانی و شکوفایی دنیوی، همت می‌گمارند، به پیشرفتهای اندک، خرسند نیستند و هرگز، زندگی فقیرانه و حقیرانه را بر نمی‌تابند و اگر به سراغ دانش اندوزی می‌روند، به اندک آن قانع نیستند، و اگر به مسائل معنوی همت می‌ورزند، به کم‌تر از خداوند؛ راضی نیستند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره چه زیبا فرمود: «إِنَّ اللهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَعَالِيَ

۱. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، محمد دشتی، مهدی ابوجعفری و علی نقی فقیهی، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۰.

۲. کنز العمال، متقی هندی، عمان، بیت الافکار الدولیه، بی تا، چاپ سوم، ج ۱، ص ۲۹۶، ح ۵۱۸۰ و ج ۲، ص ۲۰۸۰، ح ۴۳۰۲۱.





مردی تنومند و سنگین بود و به طرف مزرعه می‌رفت. با خود گفتم: «سبحان الله! بزرگی از بزرگان قریش در چنین ساعتی در چنین حالتی به طلب دنیا می‌رود، باید او را موعظه کنم.» به او نزدیک شدم و سلام کردم. در حالی که عرق می‌ریخت، پاسخ سلام را داد. گفتم: «خدا حال تو را نیکو گرداند؛ بزرگی از بزرگان قریش در چنین ساعتی و با چنین حالتی در طلب دنیاست. نمی‌ترسی که در این حالت، اجل تو در رسد؛ در حالی که در طلب دنیایی.» فرمود: «اگر مرگ من در رسد و من در این حال و در حال کار و تلاش باشم، مرگم فرا رسیده است، در حالی که به اطاعت و انجام فرمان الهی مشغول هستم تا به وسیله آن، خود و خانواده خود را از تو و مردم بی‌نیاز سازم. من آن گاه می‌ترسم که مرگ من فرا رسد، در حالی که به گناهی از گناهان مشغول باشم.» گفتم: «راست گفتی، خدا تو را رحمت کند، می‌خواستم موعظه ات کنم؛ اما تو مرا موعظه کردی.»^(۳)

همچنین در حکایت دیگری آمده

۳. همان، ص ۱۹ و ۲۰.

وَ الْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا...^(۱) ای پسر جُنْدَب! به همه شیعیان ما این مطلب را برسان و به آنها بگو! به راههای گوناگون در نیفتید، به خدا سوگند که به ولایت ما دست نتوان یافت، مگر با پارسایی و کوشایی و تلاش چشمگیر در دنیا.»

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ اتَّقَى فَاَبْعَدَهُ اللهُ^(۲) کسی که آب و خاک کافی در اختیار دارد، ولی فقیرانه زندگی می‌کند از (رحمت) خدا دور است.» طبیعی است که بر اساس این فرموده حضرت علی علیه السلام زندگی فقیرانه داشتن در عین بهره مندی از آب و خاک کافی، یا سبب نداشتن تدبیر کافی در به کار گیری این ثروتهای خدادادی است، و یا به دلیل رها کردن کار و تلاش، در استفاده بهینه از این امکانات است.

محمد بن منکدر می‌گوید که روزی از روزهای گرم به اطراف مدینه می‌رفتم. امام باقر علیه السلام را دیدم. او

۱. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، ترجمه و تحقیق: صادق حسن زاده، قم، آل علی، چاپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۵۴۰.

۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۱.



هر کسی که دنبال یک هدفی باشد و نیرویش را به کار گیرد، خدا کمکش می‌کند. در کار دنیایی هم باشد، خدای متعال کمک می‌کند. اگر چه وقتی مصروف دنیا شدند، دیگر از آخرت نصیبی نخواهند داشت. هم آنهایی را که دنبال آخرت اند، خدا کمک می‌کند. نقطه کمال این همت ورزی در آن است که دنیا و آخرت، هر دو، مورد همت قرار گیرند

سر خود برای این و آن بار ببر و خود را از مردم بی‌نیاز ساز.»^(۱)
تاریخ بشری با آن همه غرض ورزیها که به یاد دارد، هرگز کار و تلاش خستگی ناپذیر امیر مؤمنان علیه السلام و اولاد معصوم او را از یاد نخواهد برد. آن همه انبیای عظام، به ویژه رسول خاتم علیه السلام عمر خود را در کوشش و تحمل مشقتها که گاهی هم بیرون از تحمل بود، سپری کردند.»^(۲)

خیز جو دهقان و تنی ده به کار

دانه‌ای افشان و درختی بکار

سرخ کن چهره زرد است کار

صیقلی جوهر مرد است کار

کوره دم همت مرد است کار

کرم کن آهن سرد است کار

کار، دل مرده به حال آورد

فرصت امکان محال آورد

از حرکت، ایست مکن یک زمان

کز برکت ایست کند آسمان^(۳)

است که مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «از من بر نمی‌آید که با دست خود کار کنم، نیز نمی‌توانم به کسب و بازرگانی بپردازم، و مردی بدبخت و نیازمندم.» امام علیه السلام فرمود: «کار کن و بر

۱. الحیة، ترجمه: محمدرضا، محمد و علی حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۳۶.

۲. حکمت، عرفان و اخلاق، ص ۳۴.

۳. دیوان شهریار، تهران، زرین، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۵۹.



آغاز کار، از همین امروز

کامیابی است از دست می دهند. در صورتی که نه تنها نباید کار امروز را به فردا انداخت، بلکه اگر امکان دارد، باید کار فردا را هم امروز انجام داد. از ابومسلم خراسانی پرسیدند: «راز کامیابی شما چه بوده است؟» گفت: «اینکه هرگز کار امروز را به فردا نیفکنم.»^(۱)

حضرت رسول ﷺ به اباذرؓ فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَ التَّسْوِيفَ بِأَمْلِكَ فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَلَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنْ يَكُنْ غَدًا لَكَ فَيَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَدًا لَكَ لَمْ تَنْدَمْ عَلَيَّ مَا فَرَطْتَ فِي الْيَوْمِ؛^(۲) ای اباذر! از تأخیر در عمل بپرهیز که امروز از آن توست و از فردا خبر نداری. اگر فردایی داشتی، در آن فردا چنان باش که در امروز، و اگر فردایی نداشتی، برای کوتاهی کردن امروز پشیمان نخواهی شد.»

حضرت امیر مؤمنان ؑ می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ التَّسْوِيفَ الْعَمَلِ بَادِرُوا بِهِ إِذَا أَمَكْتُمْ؛^(۳) بپرهیزید از اینکه برای

برخلاف پندار بعضی که می گویند برای شروع کار، همیشه فرصت هست، باید گفت: برای آغاز کار، همیشه دیر است. در حقیقت، گروه نخست به این بهانه که همواره برای آغاز کار، وقت داریم، به سادگی در دام «امروز و فردا کردن»ها می افتند؛ در نتیجه یا هرگز به شروع کار مورد نظرشان توفیق نمی یابند یا آنکه پس از تباه کردن فرصتهای فراوان و هدر دادن وقتهای گرانبهای به انجام آن کار همت می گمارند. این در حالی است که گروه دوم، هیچ گاه امروز و فردا نمی کنند و هرگز، کار امروز را به فردا واگذار نمی کنند؛ چرا که از نگاه آنها زمان، بسیار ارزشمند و گرانبه است و آن گاه که فرصتی از کف رفت، برای همیشه تکرار نخواهد شد و قابل تدارک نخواهد بود؛ پس از دیدگاه آنان: برای آغاز کار، همیشه دیر است؛ آغاز کار از همین امروز.

فرصتهای زیادی به دست افراد می افتد؛ اما از آنجا که دسته ای روح «کار امروز به فردا انداختن» دارند، این فرصتها را که کلیدهای طلایی راز

۱. رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۸۸

۲. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۴۴.

۳. الحیاء، ج ۱، ص ۵۷۴.



از امروز کاری به فردا ممان

ندانی که فردا چه آید زمان

سبک مرد بیکار بسیار گو

نماند به نزد کسش آبرو^(۱)

(فردوسی)

کار و تلاش، و نه پندار و

آرزو و اعتقاد به بخت و اقبال

گرچه «آرزومندی»، موتور محرک

انسان به سوی کار و تلاش است، و در

ایجاد انگیزه در انسان نقش فراوانی دارد،

اگر دور و دراز، دسترس ناپذیر، و فراتر

از ظرفیت شخص و واقعیت‌های موجود

در خارج باشد، به عاملی تخدیر کننده

و بازدارنده تبدیل خواهد شد؛ چرا

که لذت خیالی چنین آرزوهای محالی

به تدریج همه ذهن و جان شخص را

فراگرفته، سبب می‌شود که وی دلش را

به همین آرزوها خوش کرده، ضرورتی

برای اقدام و عمل نبیند. معمولاً نیز

این‌گونه از افراد به جای تلاش و اقدام،

به انتظار بخت و اقبال می‌نشینند، تا

روزی اقبال بدانها روی کند و آنها را به

آرزوها و مراد دلشان برساند.

تاریخ بشری با آن همه
غرض ورزیها که به یاد
دارد، هرگز کار و تلاش
خستگی ناپذیر امیر
مؤمنان علیه السلام و اولاد معصوم
اورا از یاد نخواهد برد.
آن همه انبیای عظام، به
ویژه رسول خاتم علیه السلام عمر
خود را در کوشش و
تحمل مشقتها که گاهی
هم بیرون از تحمل بود،
سپری کردند.»

عمل، امروز و فردا کنید؛ هر وقت امکان
برایتان پیدا شد به کار برخیزید.»

آن حضرت در بخشی از نامه
خویش به مالک اشتر می‌نویسد: «کار
هر روز را در همان روز انجام بده؛ زیرا
هر روزی مخصوص کار همان روز

است.»^(۱)

۲. به نقل از: چکیده اندیشه‌ها، سید یحیی برقی،
نمایشگاه نشر کتاب، چاپ ششم، ۱۳۶۷، ج ۱،
ص ۵۶.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.



به امور خیالی و موهوم، نتیجه دیگری ندارد. پس شایسته انسان خردمند آن است که کار و عمل را به فریب و آرزو و بخت و اقبال فرونگذارد، و به انتظار موهوم دست یافتن به آرمانها، از انجام دادن آنچه که باید انجام دهد خودداری نکند»^(۲)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الامانی تسمى الابصارَ و من اطالَ الامَلَ اساءَ الامَلَ؛^(۳) آرزوهای دلخوش کن چشمها را کور می کند. هر که به آرزوهای دراز دل بندد، چنان که باید تن به کار ندهد.»

آن حضرت همچنین می فرماید: «الامانی تخذعک و عند الحقائق تدعک؛^(۴) آرزوهای خیالی، تو را می فریبد و هنگام برخورد با واقعیات تو را تنها می گذارند.»

همچنین از آن حضرت آمده است: «ایاک و الائتکال علی المنی فانها بضائع التوکی؛^(۵) از تکیه کردن بر آرزوها پرهیز که آرزو کالای احمقان است.»

«در حقیقت بخت و اقبال، عناوین موهومی هستند که از مغز کسانی تراوش می کند که غرق در آرزو و پندار هستند. آنها دست از کار و تلاش برداشته، برای راضی ساختن وجدان سرزنش کننده خود، به انتظار بخت و اقبال نشسته اند. اگر بناست به بخت معتقد شویم باید بگوییم که: کار و کوشش و همت و سعی و فعالیت، اساس بخت را تشکیل می دهد، و آدمی را به بخت و اقبال گم شده او می رساند. برای رکود و تنبلی و خراب کردن ذهن و مغز، اعتقاد به بخت و اقبال و اکتفا کردن به آرزو و پندار، بهترین وسیله است، و اینکه شخص در آرزوی تحقق پندارهایش، دست از همت و سخت کوشی بردارد»^(۱)

«همچنین نباید از نظر پنهان داشت که تنها آرزوها و آرمانهایی ارزشمند است که عملی و تحقق پذیر باشد و دست یافتن به آنها میسر. آرمانهای دروغین و آرزوهای دور و دراز، جز تباه شدن فرصت و تأخیر در اقدام و از دست دادن مصالح و منافع و انصراف خاطر از امور واقعی و ممکن، ۱. رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۲. الحیة، ج ۱، ص ۵۹۲.

۳. همان، ص ۵۸۱.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۲.

۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

